

ایستادشهر

سال سی و ششم، شماره سوم
مرداد شهریور ۱۴۰۴
ISSN:1023-7992

دوماهنامه نقد کتاب، کتاب شناسی و
اطلاع رسانی در حوزه فرهنگ اسلامی

۲۱۳

چو یا جهانش بخش | رسول جعفریان | سیدعلی میرافضلی | سیدرضا باقریان موحد | عبد الجبار رفاعی / محمد سوری
زهرا آقابابی خوزانی | سیدعلی کاشفی خوانساری | مهدی عسگری | حمیدرضا تمدن | امید حسینی نژاد | حیدر عیوضی
اریا طبیب زاده | رقیه فراهانی | میلاد بیگدلو | سید احمد رضا قائم مقامی | مجید جلیسه | علی راد
محمد شهسوار | عارف نوشاهی / شیوا امیرهدایی | مریم حسینی | علی نیک زاد | سیدعلی موسوی
غلامحسین خدري | علی ایمانی ایمنی | علی کاملی | فرهاد طاهری | سهیل یاری گل دژه | امید طبیب زاده | سید محمد عمادی حائری

مگر ز مضر به گنغان «بشیر» می آید | مقتل الحسین (ع) ابو حاتم، محمد بن حبان بُستی (م ۳۵۴)

رباعیات شهر آشوب حسن دهلوی | معرفی نشریه اتاق آبی

از نگاه عربی: متفکران معاصر ایران و جهان عرب (۲) | از ازدواج تا طلاق: روی و پشت یک سند

روابط قصه گویان دینی و حاکمان سیاسی | امامزاده حضرت شاه زندو (ع)

محمد عابد الجابری و نقد عقلانیت عربی | خراسانیات (۶) | آینه های شکسته (۱۰)

یادداشت های لغوی و ادبی (۵) | اشعار تازه یاب از شاعران دوره قاجار با استناد به نشریات آن عصر

نویشتگان (۱۴) | یادداشت های شاهنامه (۸) | چاپ نوشت (۲۰) | از شیعه علی (ع) تا دین علی (ع)

طومار (۱۲) | قصص الأنبياء در میراث اسلامی | المستخلص

تحفة البرره مجدالدین بغدادی در آثار شمس الدین محمد الأطعانی | کتابخانه یعنی غنای زنده زاینده

نقد ترجمه فارسی مابعد الطبیعه ارسطو اثر شرف الدین خراسانی

مروری بر تخلفات گسترده در پژوهش | تحلیل روشمند ادعاهای انتحال در حوزه فلسفه اسلامی

نکته، حاشیه، یادداشت

پیوست آینه پژوهش: ♦ سلسله مباحث نظری در باب تاریخ ادبیات، براساس آرای رنه وِلک (۲)

♦ در میانه حکایت و تصحیف

مَگر زِ مِضر به کُنعان «بَشیر» می آید

(کاربرد واژه «بَشیر» در بیتی از سعدی)

جويا جهانبخش

| ۱۷ - ۲۳ |

۱۷

آینه پژوهش | ۲۱۳

سال ۳۶ | شماره ۳

مرداد و شهریور ۱۴۰۴

چکیده: نویسنده در مقاله پیش رو، به بررسی بیتی از اشعار سعدی شیرازی پرداخته است. در این بیت، کاربرد واژه «بَشیر» بررسی و از جوانب مختلف معنایی و لغوی به آن پرداخته شده است.

کلیدواژه‌ها: سعدی، شعر، نقد و بررسی، بَشیر.

magar ze Mişr be-Kanān "Bashīr" mi-āyad
(Perhaps from Egypt to Canaan comes a "bearer of good news.")
Juya Jahanbakhsh

Abstract: This article examines a verse by Sa'di of Shiraz in which the usage of the word *bashir* is analyzed. The study addresses the semantic and lexical dimensions of the word and explores its interpretive implications within the context of Sa'di's poetry.

Keywords: Sa'di; poetry; critique and analysis.

شیخ شیراز، سعدي بی هنباز، در غزلِ روح نواز «که برگذشت که بویِ عبیر می آید؟ / که می رود که چنین دل پذیر می آید؟»، فرموده است:

نشانِ یوسفِ گم کرده می دهد یعقوب مگر ز مضر به کنعان بشیر می آید^۱

بیت پیچیدگی خاصی ندارد. یعنی: یعقوب از یوسفِ گم گشته خود نشانی می دهد؛ لابد / همانا / گویی) مُرده رسان دارد از مضر به کنعان می آید.

همه می دانند که سُخَنِ شیخ سعدي ناظر به داستان یوسف پیامبر - عَلَيْهِ السَّلام - است در قرآن کریم؛ به ویژه این بخش: ﴿اذْهَبُوا بِقَمِيصِي هَذَا فَالْقُوهُ عَلَى وَجْهِ أَبِي يَأْتِ بَصِيرًا وَأْتُونِي بِأَهْلِكُمْ أَجْمَعِينَ * وَلَمَّا فَصَلَتِ الْعِيرُ قَالَ أَبُوهُمْ إِنِّي لَأَجِدُ رِيحَ يُوسُفَ لَوْلَا أَنْ تُفْقِدُون * قَالُوا تَاللَّهِ إِنَّكَ لَفِي ضَلَالِكَ الْقَدِيمِ * فَلَمَّا أَنْ جَاءَ الْبَشِيرُ أَلْقَاهُ عَلَى وَجْهِهِ فَارْتَدَّ بَصِيرًا قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ إِنِّي أَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾^۲.

باری، سُخَنِ ما، در این جا، بر سرِ واژه «بشیر» است در بیتِ سعدي.

بعضی طابعان و گزاردگان آثارِ شیخ شیراز در ایضاح واژه «بشیر» به همین بسنده کرده اند که معنای مشهورِ کلمه را یادآور شوند: «بشارت دهنده، مُرده آور، مُرده رسان»^۳؛ یا دستِ کم این معنی

۱. کَلَيَاتِ سَعْدِي، به اهتمام: مُحَمَّد عَلِي فُرُوعِي [با هم کاری: سَيِّد حَبِيبِ يَغْمَانِي]، [با چاپ زیر نظر: بهاء الدین خُرْمَشَاهِي]، ج: ۱۵، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۹ ه. ش.، ص ۵۱۵، غ ۲۸۸.

۲. س ۱۲، ی ۹۳-۹۶.

۳. سَنَج: غَزَلِيَّاتِ سَعْدِي، بر اساس چاپ های شاذروانان مُحَمَّد عَلِي فُرُوعِي [و] حَبِيبِ يَغْمَانِي، مُقابله، اِغْرَابِ گُذَارِي، تَصْحِيح، توضیح واژه ها و اصطلاحات، معنای آبیات و ترجمه شعرهای عربی: کاظم بَرگِ نَبِسی، ویراست ۲، ج: ۱، تهران: شرکت انتشاراتی فکر روز، ۱۳۸۶ ه. ش.، ۶۶۴/۱؛ گزیده غَزَلِيَّاتِ سَعْدِي، اِنتِخاب و سَنَج: دکتر حسن آتُوری، ویرایش دُوم، ج: ۱۶، تهران: نشر قطره، ۱۳۹۴ ه. ش.، ص ۱۵۳؛ غَزَلِيَّاتِ و فَصَائِدِ سَعْدِي - ... معنی واژه ها و توضیح تعبیرهای دُشوار، به کوشش: غلامرضا اَزْزَنْگ، ج: ۱، تهران: نشر قطره، ۱۳۸۳ ه. ش.، ص ۵۴۹؛ غَزَلِيَّاتِ سَعْدِي، مُقَدِّمه و سَنَج: بهاء الدین اشکندری اَرْتَسَنجانی، ج: ۱، تهران: مؤسسه انتشارات قدیانی، ۱۳۹۶ ه. ش.، ص ۴۴۱؛ مثنی کاپلِ کَلَيَاتِ سَعْدِي شیرازی، به کوشش: مُظَاهِر مُصَفَّا، با هم کاری: اکرم سلطانی، ج: ۴، تهران: انتشارات روزنه، ۱۴۰۱ ه. ش.، ص ۶۶۷؛ غَزَلِيَّاتِ سَعْدِي - به هم راه اِغْرَابِ گُذَارِي [و] خوانشِ صَحیح و معنی واژگانِ دُشوار، به کوشش: رَحْمَتِ الهِ جَبَّاری - و - امیر راسخی نژاد، ج: ۱، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۴۰۰ ه. ش.، ص ۳۵۱. اَلْبَيِّنَةُ شَائِدِ اَبِن، معنای کاملاً دقیقِ اَبِنِ واژه هم نباشد.

در تفسیر شریفِ بَنیان می خوانیم:

«البشیر: الَّذِي يَأْتِي بِالْبَشَارَةِ الْعَظِيمَةِ: وَجَاءَ عَلَى لَفْظٍ "فَعِيلٌ" لِمَا فِيهِ مِنَ الْمَبَالِغَةِ.»

(الْبَيِّنَاتُ فِي تَفْسِيرِ الْقُرْآن، شيخ الطائفة أبو جعفر مُحَمَّد بن الحسن الطوسي، تحقيق و تصحيح: أحمد حبيب قصير العلوي، ط: ۱، قم: مکتب الاعلام الاسلامي، ۱۴۰۹ ه. ق.، ۱۹۴/۶).

را در ضمنِ معنایِ کلیِ بیتِ بیاورند؛^۱ که البته نادرست هم نیست و مقصودِ اصلیِ سعدی از به کار بُردنِ این واژه نیز همین معنایِ آن بوده است.

در منتخبی از غزلیاتِ شیخ که سال‌ها پیش روان‌شاد اُستاد عبدالمحمد آیتی فراهم و منتشر کرده است، واژه «بشیر» در بیتِ موردِ گفت‌وگویی ما، چنین گزارش گردیده: «بشارت‌آورنده، مرده‌دهنده، نامِ قاصدی که از سویِ یوسف به نزدِ یعقوب رفت و پیراهنِ پسر برای پدر بُرد».^۲

مع‌الأسف زنده‌یاد آیتی از برایِ این آگهی که آن قاصد را نام «بشیر» بوده است، منبعی نشان نداده.

در بعضی منابعِ کهنِ تصریح گردیده که آن مرده‌رسان، یهودا (یا: یهوذا) پسرِ یعقوب بوده است و به قولِ دیگر، مالکِ بنِ دُعر.^۳ وانگهی، در بعضی نقل‌هایِ داستان، قاصد و مرده‌رسان دو تن اند: آن کس که پیراهن را می‌آورد، "یهودا" است و آن کس که بشارتِ یافتنِ یوسف را به سُزعتی هرچه تمام‌تر می‌رساند و پیش از یهودا نیز می‌رسد، برادری به نام "دان".^۴

بَرخی گفته‌اند: نامِ آن غلام که بر سرِ چاه رفت و یوسف را از چاه برکشید، «بشیر» بوده است.

در لغت‌نامه‌ی دهخدا ذیلِ یکی از «بشیر»‌هایِ متعدّدی که برشمرده‌اند، می‌خوانیم:

۲۰

آینه پژوهش | ۲۱۳

سال ۳۶ | شماره ۳

مرداد و شهریور ۱۴۰۴

۱. سنح: غزل‌های سعدی، به کوشش: نورالله ایزدپرست، ج: ۲، تهران: دانش، ۱۳۶۲ ه.ش.، ص: ۳۸۹؛ و: دیوانِ غزلیاتِ اُستاد سُخنِ سعدی شیرازی، با معنیِ واژه‌ها و شرحِ آیات و ... به کوشش: دکتر خلیل خطیب رهبر، ج: ۱۰، تهران: انتشارات مهتاب، بی‌تا، ۴۲۵/۱.

۲. شکوه سعدی در غزل، به انتخاب و شرح: عبدالمحمد آیتی، ج: ۱، تهران: انتشارات هیرمند، ۱۳۶۹ ه.ش.، ص: ۱۵۰.
۳. نگر: کمال‌الذین و تمام‌التغمة، الشَّیخ الصدوق، صَحَّحَهُ وَ عَلَّقَ عَلَيْهِ: عَلِیُّ أَكْبَرُ الْغَفَّارِ، قُمْ الْمُشْرِفَةُ: مُؤَسَّسَةُ النَّشْرِ الْإِسْلَامِیِّ التَّابِعَةِ لِمَجْمَاعَةِ الْمَدْرِسِینِ، ۱۴۰۵ ق. / ۱۳۶۳ ه.ش.، ص: ۱۴۲؛ و: رَوْضُ الْجَنَانِ وَ رَوْحُ الْجَنَانِ فی تَفْسِیرِ الْقُرْآنِ، شیخ ابوالفتح رازی، به کوشش و تصحیح: دکتر مُحَمَّد جَعْفَرِ یَاقَی - و - دکتر مُحَمَّد مَهْدِی نَاصِح، ج: ۱، مشهد: بُنیادِ پژوهش‌هایِ اسلامیِ آستانِ قدسِ رضوی - ع -، ۱۳۶۷ ه.ش.، ۱۵۱/۱۱؛ و: مَجْمَعُ الْبَیَّانِ فی تَفْسِیرِ الْقُرْآنِ، آمین‌الاسلام ابوعلی الفضل بن الحسن الطلّیسی، حَقَّقَهُ وَ عَلَّقَ عَلَيْهِ: لَیْجَنَةُ مِنَ الْعُلَمَاءِ وَ الْمُحَقِّقِینِ الْأَخْصَائِیِّینِ [؟]، قَدَّمَ لَهُ: السَّیِّدُ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الْأَمِینِ الْعَامِلِی، ط: ۱، بیروت: مُؤَسَّسَةُ الْأَعْلَمِیِّ لِلْمَطْبُوعَاتِ، ۱۴۱۵ ه.ق.، ۴۵۴/۵؛ و: جَامِعُ الْبَیَّانِ عَنْ تَأْوِیلِ آيِ الْقُرْآنِ، أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ جَرِیرِ الطَّلَبَرِی، صَبَّطَ وَ تَوَبَّقَ وَ تَخْرِیجَ: صَدَقِی جَمِیلُ الْعِظَارِ، بَیروت: دَارُ الْفِکْرِ لِلطَّبَاعَةِ وَ النَّشْرِ وَ التَّوْزِیعِ، ۱۴۱۵ ه.ق.، ۸۲/۱۳ و ۸۳؛ و: تاریخ‌نامه‌ی طبری (گردانیده‌ی منسوب به: بلغمی)، به تصحیح و تفسیر: مُحَمَّد رُوشَن، ج: ۲، تهران: سُروش، ۱۳۷۸ ه.ش.، ۲۳۳/۱؛ و: تَفْسِیرِ سَورِآبَادِی (تَفْسِیرِ التَّغَامِیْرِ)، أَبُو یُکْرَ عَتِیقِ نِشَابُورِی مُشْهُورُ بِه سَورِآبَادِی، به تصحیح: سعیدی سیرجانی، ج: ۱، تهران: فَرْهَنگِ نَشْرِ نو، ۱۳۸۱ ه.ش.، ۱۸۰/۲.

۴. نگر: فَصَصُ الْأَنْبِیَاءِ، أَبُو إِسْحَاقِ إِبْرَاهِیمُ بْنُ مُنْصُورِ بْنِ خَلْفِ التِّیْسَابُورِی، به اِهْتِمَامِ: حَبِیبِ یَغْمَائی، تهران: شَرِکَتِ اِنْتِشَارَاتِ عِلْمِی وَ فَرْهَنگِی، ۱۳۹۹ ه.ش.، ص: ۱۳۹ و ۱۴۰.

«غلام مالک بن ذعر خزاعی، قافله سالار کاروانی که از مدین به مصر می‌رفت، راه گم کرده بود، به سر چاهی که برادران یوسف وی را در آن افکنده بودند منزل کرد و این غلام بود که جهت کشیدن آب دلو در چاه افکند و به جای آب یوسف را برکشید. (حَبِیب السَّيْرِ، ج ۱، ص ۶۳)».

بَعْضی از شُرَاحِ شِعْرِ سَعْدی، این گزارشِ مُنَدِّجِ دَر لُغَتِ نَامَهُ دِهْخُدا را نیز ذیلِ بَیْتِ مَحَلِّ کُفْتُ وَگویی، وَلَوْ بَا اَنَدَکْکِی تَلْخِیص، نَقْل کَزده و اَز بَابِ «إِبْهَامِ تَناسُب» و عِنايَتِ اِخْتِمَالِی سَعْدی به آن، مَوْرِدِ تَوَجُّه قرار داده‌اند.^۱

گویا حکیم سنائی غَزَنوی نیز آن‌جا که در چکامه‌ای فرموده است:

اَز پِی یوسفِ کسان به عَرَض

گاهِ بُشْرِی و گَه بُشیرِ مَباش!^۲

در اِشْتِخْدامِ کَلِمَةُ «بشیر»، به نامِ هَمَانِ غُلامِ بَرآزندهِ یوسف از چاهِ نَظَر داشته است؛ کَمَا این‌که گفته‌اند که آن غُلامِ بَرآزندهِ یوسف را یار و هَم‌راهی بوده است به نامِ «بُشْرِی»^۳، و این «بُشْرِی» هَم که سنائی فرموده است، ناظر است به وی^۴.

۲۱

آینه پژوهش | ۲۱۳

سال ۳۶ | شماره ۳

مرداد و شهریور ۱۴۰۴

۱. نِگَر: شَرِیح غَزَلِ هَای سَعْدی - هَم‌راه با مَقْدَمه، تَلَفُظِ واژه‌های دُشوار، دُرُست خوانی و زیباشناسی بیث‌ها، به کوشش: دکتر مُحَمَّد‌رضا بَرزَگَر خالقی - و - دکتر تَوَیج عَقْدایی، ج: ۱، تهران: اِنْتِشاراتِ زَوّار، ۱۳۸۶ ه.ش، ۶۲۸/۱، و: شَرِیح غَزَلِیاتِ سَعْدی، فَرَح نِیاکار، ج: ۱، تهران: اِنْتِشاراتِ هُزُمِش - با هَم‌کاری: مَکَرِ سَعْدی‌شناسی -، ۱۳۹۰ ه.ش، ص ۷۴۴.

۲. دیوان حکیم سنائی (بر اساس کهن‌ترین نُسخه‌های به دَست آمده، هَم‌راه با نِمایه‌های چهل وَهْشْت‌گانه و فَرْهَنگِ واژه‌های دُشوار)، به کوشش: دکتر مُحَمَّد‌رضا بَرزَگَر خالقی، ج: ۲، تهران: اِنْتِشاراتِ زَوّار، ۱۴۰۱ ه.ش، ۲۱۱/۱، ق ۱۳۵، ب ۴۳.

۳. نِگَر: غِیاثُ اللُّغات، غِیاثُ الدِّینِ رافِیوَری، چاپِ سَنگی، کانیپور: مَطْبَعِ مَنشِی نَوَلِ کِشور، ۱۹۰۴ م، ص ۶۸ (ذیلِ «بُشْرِی») و ۵۱۴ (ذیلِ «یا بُشْرِی»).

سورآبادی، نام خود غُلامِ بَرآزندهِ یوسف را «یَسار» نوشته است، و نامِ هَم‌راهِ او را، «بُشْرِی». نِگَر: تَفْسیرِ سورآبادی (تَفْسیرِ التَّفاسیر)، اَبوبَکَر عَتِیقِ نِیشابوری مَشهور به سورآبادی، به تَضَحیح: سَعیدی سِیْرَجانی، ج: ۱، تهران: فَرْهَنگِ نَشْرِ نو، ۱۳۸۱ ه.ش، ۱۱۱۰/۲.

۴. سَنج: لُغَتِ نَامَهُ دِهْخُدا، ذیلِ «بُشْرِی» با هَمین شاهد از سنائی؛ و: تازیانه‌های شلوک (نَقْد و تَحْلِیلِ چُنْد قَصِیده از حَکیم سنائی)، دکتر مُحَمَّد‌رضا شَفِعی کَدَکَنی، ج: ۱۸، تهران: نَشْرِ آگَه، ۱۳۹۷ ه.ش، ص ۴۰۲.

۵. عَجَب است از آقاي دکتر مُحَمَّد‌رضا بَرزَگَر خالقی که در سَرجِشانِ بَر این چکامه سنائی، تَنها از این‌که «بُشْرِی» نام یکی از آن دو غُلامِ یابندهِ یوسف بوده است یاد آورده و دَر بَابِ «بشیر»، به مَعْنایِ لُغَوِی لُفْظِ بَسَنده کَزده‌اند و بَس (نِگَر: شَرِیح مَشْکَلاتِ دیوانِ حَکیم سنائی، دکتر مُحَمَّد‌شَفِیع صَفّاری - و - دکتر مُحَمَّد‌رضا بَرزَگَر خالقی، ج: ۱، تهران: اِنْتِشاراتِ زَوّار، ۱۴۰۰ ه.ش، ص ۲۰۷)، و بَدین تَرْتِیب، توضیحِ بَیْتِ سنائی را ناتمام نهاده‌اند؛ حال آن‌که - چنان‌که گُذشت - خود ایشان در شَرِیح غَزَلِ هَای سَعْدی (به کوشش: دکتر مُحَمَّد‌رضا بَرزَگَر خالقی - و - دکتر تَوَیج عَقْدایی، ج: ۱، تهران: اِنْتِشاراتِ زَوّار، ۱۳۸۶ ه.ش، ۶۲۸/۱)، ما را به گزارشِ مُنَدِّجِ دَر لُغَتِ نَامَهُ دِهْخُدا در این باب که «بشیر» نامِ غُلامِ بَرآزندهِ یوسف از چاه بوده است، تَوَجُّه داده‌اند!

باری، با صرفِ نظر از نام غلام / غلامان و چه و چه ها، واژه «بشیر» یک معنای لغوی دیگر نیز دارد که گمان می‌کنم نیک محتمل باشد استاد سُخَن سَعْدی در بَیْتِ مَحَلِّ بَحْث و فَحْصِ^۱ ما، گوشه چشمی نیز به آن داشته بوده باشد، و آن معنای "زیباروی" است؛ و می‌دانیم یوسف که یعقوب - عَلَیْهِمَا السَّلَام - از وی نشانی می‌داد، مثَلِ أَعْلَایِ جَمَالِ صَوْرَتِ وَ زِیْبَارَوِیِ است در اَدَبِیَّاتِ ما.

«بشیر» به معنای "جمیل" و "نیکوروی"، از روزگاران دور در پاره‌ای از کتاب‌های لُغَتِ دَرَجِ گزیده است^۲ و لغویان بزرگ ما را دراموخته‌اند که:

«...البَشْرُ، وَالْبَشَارَةُ، يَفْتَحِيهِمَا: الْجَمَالُ، وَقَدْ بَشَّرَ - كَكَرَّمَ - فَهُوَ بَشِيرٌ، أَيْ جَمِيلٌ، وَهِيَ بَشِيرَةٌ وَأَبْشَرَةٌ: حَسَنَةٌ، وَنَضْرَةٌ.

وَهُوَ أَبْشَرُ مِنْهُ: أَحْسَنُ وَأَجْمَلُ.

وَأَمْرَأَةٌ مَبْشُورَةٌ: حَسَنَةُ الْخَلْقِ وَاللَّوْنِ».^۳

در لُغَتِ نامه دهخدا هم، ذیلِ واژه «بشیر»، از جمله، همین معنی، با اِغْتِمَادِ بَرِ مَنَابِعِ گوناگون، یاد شده است:

۲۲

آینه پژوهش | ۲۱۳

سال ۳۶ | شماره ۳

مرداد و شهریور ۱۴۰۴

۱. اَلْبَشْرُ به قول برخی از لغویان: بَحْث و فَحْث.

«فَحْث» یعنی: بازکاوی‌دن و جُست‌وجو کردن، و ریختِ دیگری از همان لُغَتِ «فَحْص» است. بَرخی اِخْتِمَال داده‌اند آن کَلِمَه که در زبان فارسی به مَثَابِتِ اَتْبَاع (/ به طَرِیْقَتِ اِتْبَاع) با واژه «بَحْث» به کار می‌رود، همین ریختِ «فَحْث» باشد، نه «فَحْص». این بَحْث اَلْبَشْرَ ثَمَره شایان و نیماینی جز در بابِ بَعْضِ آرایه‌های ادبی و فُنُونِ گرافیکی نخواهد داشت. از همین روی پیش‌نهاد می‌کنم أَصْلًا به روی خود نیآوریم و بیهوده بابِ «بَحْث و فَحْص» / «بَحْث و فَحْث» را بیش از این‌ها مَفْتُوح نذاریم!!! ... به قول مولوی: «سر چرا بَنَدَم؟ چو دزد سر نماند!». ... بلکه به قولی که بر آن باباطاهر معروف مَجْهُول بسته‌اند: «ز ما بَگَدَر شُتُر دیدی ندیدی!».

۲. نمونه را، نگر: قانونِ آدب، ابوالفضل حُبَیْش بنِ اِبْرَاهِیم بنِ مُحَمَّدِ تَقْلِیْسِی، به اِهْتِمَام: غلامرضا طاهر، ج: ۱، تهران: انتشارات بُنیادِ فَرْهَنگِ ایران، ۱۳۵۰ و ۱۳۵۱ ه. ش.، ۶۷۳/۲؛ دَسْتُورُ اللُّغَةِ (کتاب الخُلاص)، بَدِیعُ الزَّمانِ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ حُسَینِ بنِ اِبْرَاهِیمِ بنِ أَحْمَدِ مَعْرُوفِ به: اَدِیبِ نَطَنَزِی، تَضْصِیح: دَکْتَرِ سَیدِ عَلِیِ اَزْدَلانِ جَوان، ج: ۲، مَشْهَد: بِهْ نَشْر (انتشارات آستانِ قُدسِ رَضَوِی -ع-)، ۱۳۸۹ ه. ش.، ص: ۱۶۷؛ الضَّرَاحُ مِنَ الضَّرَاحِ (فَرْهَنگِ ضَرَّاحِ اللُّغَةِ)، جَمالِ قُرْشِی، تَضْصِیح [و] تَرْجَمَه و اَفْزُودَه‌ها: مُحَمَّدُ حُسَینِ خَیْدَریان، ج: ۱، تهران: اَنْجَمَنِ اَثار و مَفاخِرِ فَرْهَنگِی، ۱۳۹۷ ه. ش.، ۵۶۹/۱؛ القاموس المَحیط، مَجْدِ الدِّینِ مُحَمَّدُ بنِ یَعْقُوبِ الفَیْروْزِآبادِی، تَحْقِیق: مَکْتَبِ تَحْقِیقِ الثَّرَاثِ فی مَوْسَسَةِ الرِّسَالَةِ، بِاِشراف: مُحَمَّدِ نَعِیمِ العَرَقُوسِی، ط: ۸، بیروت: مَوْسَسَةُ الرِّسَالَةِ، ۱۴۲۶ ه. ق.، ص: ۳۵؛ تاجِ العُرُوسِ مِنْ جَوَاهِرِ القَامُوسِ، مَحْبُوبُ الدِّینِ أَبُو اَلْأَسْفَیْضِ السَّیِّدِ مُحَمَّدُ مُرْتَضَی الحُسَینِی الواسِطِی الرِّیْدِی الحَنَفِی، دِرَاسَةُ وَ تَحْقِیق: عَلِی شِیرِی، بیروت: دَاوِلُ الْفِکْرِ لِلطَّبَاعَةِ وَ النِّشْرِ وَ التَّوْزِیعِ، ۱۴۱۴ ه. ق.، ۸۶/۶.

۳. الطَّرَازُ الْأَوَّلُ وَ الْکِنَازُ لِمَا عَلَیْهِ مِنْ لُغَةِ الْعَرَبِ الْمُعَوَّلِ، السَّیِّدِ عَلِیِ بنِ أَحْمَدِ بنِ مُحَمَّدِ مَعْصُومِ الحُسَینِی الْمَعْرُوفِ بِنَابِینِ مَعْصُومِ الْمَدَنِی، تَحْقِیق و نَشْر: مَوْسَسَةُ آلِ الْبَیْتِ - عَلَیْهِمُ السَّلَام - لِاِخْیاءِ الثَّرَاثِ، ج: ۷، ط: ۱، مَشْهَد: ۱۴۳۰ ه. ق.، ص: ۸۶ و ۸۷.

«خوبروی. (منتهی الأرب) (ناظم الأطباء) (مؤید الفضلاء) (آندراج). جمیل. نیکوروی. خوش صورت. ج، بُشراء.»

الْعَرَضُ، بعید است مَرَد تازی دَانِ مِفْضَالِی چون شیخ بُزْگَوَار، سَعْدِی، با این مَعْنایِ واژه «بشیر» ناآشنا باشد؛ و با تَوَجُّه بدین مَعْنایِ لُغَوِی «بشیر»، مِضْرَاعِ «مگر ز مضر به کنعان بشیر می آید»، تداعیگر این مَعْنی نیز تواند بود:

"تو گویی / پنداری / انگار / شاید که آن زیباروی (/ یوسف) دارد از مضر به کنعان می آید".

لَا بُدَّ نَحْوَاهِید فَرَمُود که: بِنَا بَر دَاشْتَانِ زَبَانُ زَد، آن خُودِ یُوسُفِ زیباروی - عَلَیْهِ السَّلَام - نَبُود که به کُنْعَان آمد (بَلْکَه مُرْدَه صَحَّتْ تَن و سَلَامَتِ جَان و رَفَعَتْ جَاهَش را با پیراهنش آوَرْدَنَد و ...!)؛ ... عَرَض کَرْدِیم: "پنداری / انگار"؛ ... و چُنِینِ اِنْگَارِشِی، با آن نِشَانِی دَاَدَنُ تَنَاسُب دارد.

به هَر رُوی، تَکِیَهِ بَر تَدَاعِی مَعَانِی است؛ و دَر عَالَمِ شَاعِرِی بِنِیَار با چُنِین تَدَاعِی هَا خِیَال اِنْگِیزِی و آرایه گری می کُنَنَد، بی آن که مَقْصُودِ أَصْلِی فُرُوشَانِیدِه و فَرَامُوشَانِیدِه شَوَد؛ وَاللَّهِ أَغْلَم.

اِصْفَهَان / ۱۴۰۴ ه.ش.